

تاریخ دریافت: ۳۹۹/۷/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۴

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

سال هجدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۰

[DOR:20.1001.1.2008.0514.1400.1870.185](https://doi.org/10.1.1.2008.0514.1400.1870.185)

تجلی انسان کامل آخرالزمان در پرتو بلوغ اجتماعی از منظر قرآن کریم و عرفان اسلامی، با تأکید بر عوامل ایجابی ظهور

^۱ محسن کرمی

^۲ علی حسین احتشامی

^۳ سیدحمید حسینی

چکیده

بلوغ اجتماعی با قدم سیر و سلوک فردی از مبدأ ربوبی و منشأ واحد شروع شده و به رشد مسئولیت‌های فکری و اخلاقی و همدلی در ایفای به عهد و وحدت هدف و صفات و قوانین ناشی از آن بار یافته و می‌تواند با مظهریت اسمای الاهی و آیین تمام نمای حق تعالی به سوی حیات طیبه تداوم و استمرار یابد. تجلی انسان کامل، با یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشاظهار یعنی بلوغ اجتماعی، تا حد قابل توجهی متأثر از رابطه علی و معلولی است. بنابراین بررسی آن در زمینه‌سازی ظهور انسان کامل آخرالزمان ضرورت می‌یابد. بی‌شک ظهور انسان کامل به صورت تکامل مجموعی و بنا به مشیت عادی، محصول قانون الهی سرنوشت و عنصر اختیار و نیز بازتاب سنت الهی شکران و کفران نعمت‌ها است به گونه‌ای که اعمال در مسیر تحقق آن تأثیرگذار و اهمال در واپس ماندگی و تأخر آن تأثیرپذیر خواهد بود. در این پژوهش ارزیابی مؤلفه‌های ایجابی بلوغ اجتماعی پیشاظهار از دیدگاه قرآن کریم و عرفان اسلامی با نگرش معرفت‌شناختی و به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مورد توجه قرار گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است که بین مؤلفه‌های ایجابی بلوغ اجتماعی و وقوع ظهور انسان کامل آخرالزمان رابطه همبستگی دوسویه و معناداری وجود دارد. بدین‌سان که رشد یافتگی در آراستن به علل ایجابی بلوغ اجتماعی بطور فزاینده‌ای موجبات تعجیل در ظهور را فراهم خواهد ساخت.

کلیدواژه‌ها: انسان کامل، آخرالزمان، منجی‌گرایی، زمینه‌سازی، علل ظهور، بلوغ اجتماعی.

۱- دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

۲- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تویسرکان، دانشگاه آزاد اسلامی، تویسرکان، ایران. نویسنده مسئول: a.h.ehteshami.47@gmail.com

۳- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

پیشگفتار

موضوع و هدف از خلقت انسان همان خلیفه الله شدن است؛ یعنی مقصود اصلی از آفرینش تمام هستی و موجودات، انسان کامل است که همان خلیفه و جانشین خداوند است و صلاحیت خلافت و جانشینی خداوند و آبادانی دو جهان را جز انسان کامل هیچ کسی ندارد و او آن انسان حقیقی است که مظهر اسم اعظم و منجی بشریت است. (شیرازی، ۱۳۶۰: ۲۳۷)

منجی گرایی یکی از پدیده‌های نوظهور جهانی در سده اخیر است که در پس آشفتگی و اغتشاش حاصل از تمدن جدید، افق آینده بشریت را ترسیم می‌نماید. اگر برآیند تحلیل‌های موجود در مبانی کلامی، فلسفی ظهور و فلسفه تاریخ اسلامی و نیز آموزه‌های برآمده از آیات و عرفان اسلامی گویای این مطلب باشد که آینده تاریخ و تحولات بشری بسته به نحوه عملکرد جامعه انسانی و افراد آن است؛ بحث زمینه‌سازی برای ظهور آینده‌ای روشن برای بشر به صورت جدی مطرح می‌شود. چراکه تحلیل‌ها و آموزه‌های فوق‌الذکر بد یا خوب بودن آینده را نه فقط جبری بلکه به دست خود بشر رقم می‌زند.

بنابراین جهان کنونی بشریت برای زندگی بی‌دردسر و فضایی آکنده از مهر و محبت، صفا و صمیمیت آفریده شده است و تکامل انسان نیز تنها در این جهان برای او ارزشمند خواهد بود نه در عالمی دیگر و از آنجاکه انسان طبیعتاً و فطرتاً کمال خواه و کمال جو است باید زمینه لازم برای رشد و تعالی فردی و اجتماعی و سیر کمالی او در سطح گسترده‌ای در همین دنیا فراهم گردد که با بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی این سیر آغاز (إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا. يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ) (جن: ۱-۲) و با بلوغ اجتماعی جامعه بشریت تا عصر ظهور این خواسته به انجام خواهد رسید. (أَنَّ الْأَرْضَ يَرِيُّهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ) (انبیاء: ۱۰۵)

بدیهی است؛ جامعه وقتی به رشد و بلوغ اجتماعی می‌رسد که به طور ارادی و از روی آگاهی در مسیر کمالات گام بردارد. (كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ) (مدثر: ۳۸) بنابراین، فهم چستی بلوغ اجتماعی و عوامل ایجابی آن که از مقدمات زمینه ساز ظهور منجی عالم بشریت است؛ از جمله سؤالات مهمی است که در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود.

طرفه آن که فراهم ساختن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور، بایستی به گونه‌ای که شرایط برای تحقق ظهور انسان کامل از پرده غیبت، مهیا و هموار باشد تا او بتواند حرکت خود را آغاز کند و حکومت جهانی‌اش را تحقق بخشد.

طرح مسأله

هر انقلابی، زمانی به نتیجه می‌رسد که پیشتر در ابعاد مختلف، زمینه‌سازی مناسبی برای آن شده باشد و هیچ انقلاب و نهضتی بدون مقدمه و زمینه‌سازی لازم به پیروزی نخواهد رسید. در بعثت پیامبران نیز زمینه‌سازی وجود داشت و آن‌ها در صورتی انقلابی را به ثمر می‌رساندند که در همه ابعاد، زمینه‌سازی عملی انجام می‌شد. از آنجاکه انقلاب حضرت مهدی (عج) جهانی و همه‌جانبه و دراز مدت است و هدف نهایی همه‌ی انقلاب‌های مقدس بشری است از این قانون، مستثنی نیست بلکه حتماً به زمینه‌سازی وسیع‌تر و عمیق‌تری نیاز دارد تا شرایط و عوامل اصلی در سطح جامعه پدیدار گردد. چرا که بنا به مشیت عادی، زمینه‌سازی با فکر، عمل، کار و سعی مردم صورت می‌گیرد نه با اعجاز و آنچه که در این رابطه ضرورت دارد ایجاد زمینه برای ظهور و تحقق این انقلاب است.

کانونی‌ترین و پایه‌ای‌ترین مسئله در زمینه‌سازی ظهور، موضوع بلوغ اجتماعی و قابلیت یافتن بندگان خدا و عموم مردم است. انسان در گذار از مسیر نفس و طبیعت به فراسوی تغییر نفس و تجلی ساحت‌های فطرتش منازل و مراحل را سپری می‌کند. آنچه میزان و کم و کیف منازل و مراحل را تعیین می‌کند، آستانه بلوغ اجتماعی انسان‌هاست؛ یعنی هرچه سطح و آستانه بلوغ اجتماعی آنان فراتر باشد، سطح و آستانه منازل و مراحل حرکت تاریخی به سوی بارانداز و هدف تاریخ عالی‌تر می‌شود.

انبیای الهی نیز مردم را در هر دوره به آمادگی و سطحی بالاتر از «قابلیت» اجتماعی و بلوغ اجتماعی ارتقا داده‌اند تا به افق فرج نزدیک شوند. این اقدام تاریخی انبیا براساس فلسفه بزرگ جهانی و فلسفه انتظار فرج نظام یافته است؛ زیرا حرکت انبیا در چهارچوب هدایت عمومی الهی و برنامه کلی پروردگار متعال رقم خورده و هر حرکتی با توجه به هدف و غایت آن معنا و تفسیر می‌شود و غایت حرکت انبیا براساس برنامه کلی و هدایت ذات ربوبی، فلسفه فرج و گستره عینیت‌بخشی عبودیت در جهان بشریت است. (سهرابی مشتقین، ۱۳۸۹: ۱۱۱)

به نظر می‌رسد بحث از زمینه‌سازی و سازوکارهای عملی آن، به دلیل اهمیت و تأثیر فراگیر آن، مهم‌ترین اصل در روی‌کرد به مقوله انتظار و بایسته‌های آن باشد؛ زیرا مهم‌ترین وظیفه دینی و سیاسی پیروان و منتظران ظهور امام عصر (عج) در این زمان، زمینه‌سازی ظهور آن حضرت است. به همین جهت، در عرصه مطالعات مهدوی از کوشش انسان‌ها در فراهم‌سازی مقدمات ظهور حضرت مهدی (عج) به «زمینه‌سازی ظهور» تعبیر می‌شود. بر اساس روایات مهدوی، جامعه منتظر قبل از ظهور، جامعه‌ای است که مهیای ظهور امام عصر (عج) است و مهم‌ترین ویژگی جامعه منتظر قبل از ظهور،

«بلوغ اجتماعی» است. بنابراین تا بندگان خدا و مردم به این غایت نرسند و براساس آرمان بلند ظهور مهدی موعود(عج) تربیت نشوند، بلوغ اجتماعی رقم نمی‌خورد.

مفهوم شناسی بلوغ اجتماعی

بلوغ بر وزن فُعول از ریشه «ب ل غ» به معنای رسیدن و نمو کردن (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۷) و رسیدن به انتهای مقصد، مکان یا زمان یا امری معین. (راغب، ۱۳۷۴: ۱۴۴) شخص بالغ در اثر دگرگونی‌های جسمی و روانی، به رشد جسمی و عقلی کافی رسیده، آماده پذیرش تکالیفی خواهد بود. (ابن منظور، ۱۴۱: ۴۱۹)

متون دینی علاوه بر مطرح کردن بلوغ جسمی و جنسی، کمال نهایی انسان را در بلوغ عقلانی معرفی می‌کنند که از هجده تا چهل سالگی اتفاق می‌افتد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۱: ۱۸۷) بر این اساس، بلوغ به معنای رشد و تکامل جسمی، عاطفی، اجتماعی، ذهنی، اخلاقی و عقلی فرد در اثر دگرگونی‌هایی در اندام و احساسات و اندیشه او در یک فرآیند زمانی و تحت شرایط خاص است؛ در نتیجه این بلوغ، فرد به استقلال فهم و تشخیص امور دست می‌یابد و تصمیمات و تفکرات او از روی عقل و به دور از احساسی شدن و هیجانات زودگذر است و کیفیت فکر کردن و رفتار او در قضاوت عقل و افراد عاقل، نتایج موردپسندی را به دست می‌دهد. (حسینی، ۱۳۹۶: ۲۱ - ۴۴)

جامعه نیز مانند یک فرد است. اندیشمندان علوم اجتماعی در تشبیه اندام‌واره‌ای اجتماع، جامعه و روابط اجتماعی انسان‌ها را به موجود زنده و روابط زیستی اعضای بدن آن تشبیه نموده و معتقدند همان‌طور که بدن انسان از اجزا، اندام‌های گوناگون و سلول‌های فراوان تشکیل شده است، جامعه نیز از نهادها و مؤسسات گوناگون به وجود می‌آید که هر کدام دارای قسمت‌های متعددی است و هر بخشی از عده‌ای افراد تشکیل شده که هر فرد، حکم یک سلول را در بدن انسان دارد. درحقیقت سازمان‌ها و نهادهای جامعه، مانند سیستم‌ها و دستگاه‌های بدن انسان هستند که هر کدام از این دستگاه‌ها بخشی از فعالیت‌ها و وظایف بدن را بر عهده دارند. (توسلی، ۱۳۸۵: ۲۳۶)

این تشبیه در روایات اسلامی به سه صورت بیان است: گاهی به صورت تشبیه جامعه به بدن انسان؛ گاهی در قالب تشبیه جامعه به کشتی؛ گاهی نیز به صورت تشبیه جامعه به یک ساختمان. (تقی‌زاده‌داوری، ۱۳۹۳: ۸) قرآن کریم نیز در آیات فراوانی، صفاتی را که در افراد متجلی می‌شود، مانند عمر، کتاب، شعور و فهم، عمل و اطاعت و معصیت، برای اجتماع برمی‌شمرد. (طباطبایی، ۱۴۰۱۷: ج ۴: ۹۶) از این تشبیه‌ها و تمثیل‌ها در آیات و روایات و نیز دیدگاه اندیشمندان استفاده می‌شود که جامعه مانند یک فرد؛ استعداد، صفات، توانایی‌ها و فعالیت‌هایی دارد. (راین، ۱۳۶۷: ۲۲۳)

بر این اساس، تمایز بلوغ فردی و بلوغ اجتماعی، به تفاوت ساخت فرد و جامعه بازمی‌گردد. مهم‌ترین تمایز میان آن‌ها این است که در ساختار یک جامعه، تمامی امور اعم از تصمیمات، رفتارها، کنش‌ها، قوه‌ها و استعدادها در قالب نهادهای اجتماعی متجلی می‌شوند و نیز تمامی نیازهای افراد، اعم از طبیعی، زیستی، روانی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، ارتباطی و حتی نیازهای کاذب، در بافت و

ساختار جامعه و تنها از طریق سازوکارهای نهادی پذیرفته شده از سوی افراد جامعه رفع و رجوع می‌شود. (شرف‌الدین، ۱۳۸۹: ۲۴)

بلوغ اجتماعی، نتیجه دگرگونی در ساختار جامعه و حرکت آن به سمت توسعه و پیشرفت است. در حرکت جامعه به سمت بلوغ و خردگرایی، بر مواردی از جمله: تفکر برپایه منطق و استدلال و پرهیز از پندارگرایی و خیال‌پردازی، خودداری از هر گونه تکروری و در پیش گرفتن شیوه جمع‌اندیشی، اعتماد به حاکمیت نگرش علمی در حل مسائل جامعه و اعتقاد به اصل تغییر و نوآوری، تأکید بسیار و توجه جدی می‌شود. (ساعی، ۱۳۸۶: ۱۳۵)

زمینه‌سازی ظهور

ظهور در لغت، معانی متفاوتی دارد و برخی از معانی آن عبارتند از: تبیین و وضوح، انکشاف و بروز، اعلان و جهار، حدوث و وقوع، دست یافتن به چیزی و اطلاع پیدا کردن از آن، علو، برتری و غلبه و قدرت. پس ظهور؛ آشکار شدن چیز پنهان، پدیدار شدن و هویدایی را گویند.

معنی ظهور در اصطلاح مهدویت: ظاهر شدن حضرت مهدی(عج) پس از پنهان‌زیستی طولانی جهت قیام و برپایی حکومت عدل جهانی است. البته این معنی با معانی دیگر که غلبه و تسلط امام مهدی(عج) بر اوضاع جهان و یا حدوث و وقوع انقلاب جهانی مهدوی است، قابل جمع است. (ورمزیار، ۱۳۹۴: ۲۱)

از منظر عارف؛ ظهور تجلی حق در قامت انسان کامل یا همان خلیفه الهی است که بهانه و علت خلقت است همانگونه که موجب خلقت جماد، نبات، حیوان و انسان می‌شود تا با حصول ارواح ناطقه از طریق اجساد بشری، مقام خلیفه الهی از ارواح ناطقه در زمین ظاهر گردد. (صدرالمتالهین، ۱۳۶۰: الف، ۱۰۸) با ظاهر شدن حضرت موعود(عج)، ظلم ریشه‌کن، قسط و عدل برپا گشته و حکومت الله تبارک و تعالی مشاهده می‌گردد. وساطت حضرت ولی‌عصر(عج) برای ظاهر شدن حاکمیت الهی به این دلیل است که «بُعد تناسب بین خالق و مخلوق، اظهار ممکنات و ایجاد آنها را بدون واسطه و با مباشرت ذات احدی غیر ممکن می‌گرداند. بنابراین مطابق اقتضای حکم الهی، جانشینی در تصرف، ولایت، ایجاد، حفظ و ... نایب حق تعالی می‌شود» (همو، ۱۰۹)

اصطلاح «زمینه‌سازی» برگرفته از مضمون احادیثی است که در آنها از گروه‌هایی یاد شده که پیش از ظهور حضرت مهدی(عج) بسترها و شرایط لازم را برای قیام آن حضرت فراهم می‌آورند. این اصطلاح، معادل کلمه «تمهید»، «توطیه» و «اعداد» در عربی است که در فارسی به معنای مقدمه‌چینی، فراهم‌سازی، آماده‌سازی و بسترسازی است؛ چنان‌که کلمات «یَوْطُون» و «لِیَعِدَنَّ» در احادیث به همین معناست. (پورسیدآقایی: ۱۳۸۸: ۶۰) بنابراین زمینه‌سازی ظهور: یعنی فراهم ساختن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور به گونه‌ای که شرایط برای تحقق ظهور و خارج شدن امام از پرده غیبت، مهیا و

هموار باشد تا امام بتواند حرکت خود را آغاز و حاکمیت جهانی اش را تحقق بخشد. (رهنمایی، ۱۳۸۴: ۱۰ - ۲۵) بنابراین ایجاد استحقاق برای فراهم شدن بزرگترین نعمت، ولایت که ظهور حضرت ولیعصر(عج) است، زمینه‌سازی ظهور نامیده می‌شود. (صالح‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۲۵)

به نظر می‌رسد که انسان نه تنها از امکان زمینه‌سازی برخوردار است، بلکه حتی او در این راستا وظیفه دارد. وظیفه زمینه‌سازی گاهی به عهده هر فرد به تنهایی است و گاهی جامعه وظیفه دارد به ایجاد زمینه‌های ظهور پردازد. (نظری، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۶۵)

مبانی زمینه‌ساز ظهور

مرتبۀ ربوبیت انسان کامل

انسان مخلوقی از مخلوقات الهی است. عرفا در توضیح کیفیت خلق و چگونگی ارتباط موجودات با ذات ربوبی بحث ظهور و تجلی را در باب انسان کامل به میان می‌کشند و با تمایز میان مرتبۀ ربوبیت و مرتبۀ مریوبیت به تبیین این مقام می‌پردازند. (صدرالمتالهین، ۱۹۸۱: ج ۲، ۳۴۰)

مرتبۀ انسان کامل عبارت است از جامعیت جمیع مراتب الهیه (که عبارتند از اسماء و صفات باری تعالی و مظاهر آنها در حضرت علمیه) و کونیه که عبارتند از عقول و نفوس کلیه، عقول و نفوس جزئیه، مراتب طبیعت تا نازلترین مرتبۀ وجود (یعنی هیولی). مرتبۀ انسان کامل را مرتبۀ عمائیه نیز خوانند. بنابر آنچه که گفته آمد مرتبۀ انسان کامل مرتبۀ الهیه و فرقی میان این دو نیست جز آنکه مرتبۀ الهیه مرتبۀ ربوبیت است و مرتبۀ انسان کامل مرتبۀ مریوبیت. و بخاطر همین تشابه است که انسان کامل به مقام خلیفۀ الهی شرافت یافته است. (حسن زاده آملی: ۱۳۸۵، ۳۳)

لذا انسان کامل که مظهر اتم و اکمل این اسم شریف است صاحب ولایت کلیه است می‌تواند به اذن الله تعالی در ماده کائنات تصرف کند و قوای ارضیه و سماویه را در تحت تسخیر خویش درآورد، حکم او در صورت و هیولی عالم طبیعت نافذ و مجری است، و هیولای عنصری بر حسب اراده او می‌تواند خلع صورتی نموده و لباس صورت جدید نماید. (همو: ۱۳۸۳، ۵۷)

فلسفۀ تاریخ

آنچه در تبیین فلسفۀ تاریخ از دیدگاه اسلام اهمیت بسیار دارد، جایگاه اندیشه مهدویت در نگاه تاریخی اسلام است. مهم‌ترین ویژگی آموزه مهدویت در تبیین حرکت تاریخی و سیر تکاملی آن نقش اراده‌های انسانی در حرکت تکاملی تاریخ است. (واسعی، ۱۳۹۳: ۱۲۹)

اگر چه حرکت تاریخ، حرکت عالم به سمت نقطه پایانی خودش در همین دار دنیا به سمت عصر ظهور است و این حرکت هم حرکتی است که اراده‌های انسانی در آن نقش ایفا می‌کنند ولی معنای این

سخن این نیست که اراده‌های انسان‌های متعارف، اراده‌های محوری در حرکت تاریخ به سمت صلاح هستند. بلکه محور کل، در جبهه حق، ربوبیت خداوند متعال است و در درون این جبهه هم اراده ولی‌الله محور اصلاح کل است و ولایت آن‌ها و ظهور هدایت و سرپرستی آنهاست که تاریخ را به نقطه مطلوب خودش می‌رساند. این است که ما شخصیت امام عصر(عج) را یک شخصیت اسطوره‌ای نمی‌دانیم بلکه ایشان شخصیتی واقعی و محور حرکت بندگی در عصر ما هستند و حرکت کل ملکوت و ملک عالم با عبادت ایشان تنظیم می‌شود و غلبه پایانی بر جبهه باطل هم به همین گونه واقع می‌شود. مشیت الهی به ما انسان‌ها اراده داده و به نسبتی از ما تکلیف خواسته و به همان میزان هم که تکلیف داریم مسئولیت داریم. (میرباقری، ۱۳۸۴: ۷۳ - ۱۰۰)

سیر تکاملی تاریخ

اگر طبق اراده الهی سیر تکاملی جوامع انسانی در نهایت به سوی تشکیل حکومت عدل جهانی است که انسان‌ها در همه جنبه‌ها به شکوفایی می‌رسند و در همه مراتب انسانیت عدالت واقعی برقرار می‌شود، می‌توان با تحلیل این غایت و کنکاش در ملزومات آن به جایگاهی که انبیاء در تحقق این غایت داشته‌اند پی برد. بنابراین:

۱. بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و روایات متواتر در پایان تاریخ، حکومت صالحان برپا خواهد شد و عبادت خالصانه و بدون هر گونه شائبه شرک در پهنه زمین شکل خواهد گرفت.
۲. خداوند متعال غایات و اهداف خود را نه از مسیر اعجاز که بر اساس قانون اسباب و مسببات پی‌گیری می‌نماید. «أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْرِيَ الْأَشْيَاءُ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ». (کلینی، ۱۳۸۲، ج ۱، ۱۸۳) بر این اساس تشکیل حکومت عدل جهانی باید از مسیر طبیعی‌اش تحصیل شود.
۳. تشکیل حکومت عدل جهانی و تغییر وضعیت جامعه جهانی از ظلم به عدل و از گمراهی به سعادت و از نافرمانی به عبودیت، تغییری در انسان و جامعه انسانی است و بر اساس سنت‌های الهی تغییر در سرنوشت جوامع انسانی از رهگذر تغییر در انسان‌ها رخ می‌دهد و تا انسان‌ها در خود تغییری ایجاد نکنند خداوند سرنوشت‌شان را تغییر نخواهد داد. (رعد: ۱۱).
۴. تغییری که در انسان‌ها باید اتفاق بیافتد باید از نظر عمق و وسعت تغییری متناسب با آن هدف متعالی و در حد و اندازه آن باشد. (آیتی، ۱۳۹۶: ۷ - ۳۸)

بنابراین آنچه برای زمینه‌سازی ظهور و قیام امام زمان(عج) ضرورت می‌یابد، بسترسازی و آمادگی عموم انسان‌ها برای پذیرش ولایت و حکومت حضرت مهدی(عج) است که با انجام دادن تکلیف اجتماعی هر فرد در برخورد با غیبت امام جامعه، در کنار تکالیف فردی فراهم می‌گردد. (ملایی، ۱۳۸۹:

سنت اجتماعی

اندیشه مهدویت از جمله سنت‌های قطعی و تخلف‌ناپذیر اسلام است و از نظر ماهیت، جزو سنت‌های «مقید»، از نظر رویکرد جزو سنت‌های «تبعی» و از لحاظ کارکرد، جزو سنت‌های «اجتماعی» به شمار می‌آید؛ زیرا تحقق اندیشه مهدویت و بروز و ظهور آن، متکی به رفتار و کردار بشر بوده و اراده و اختیار بشر در فعلیت‌بخشی به آن، نقشی مؤثر دارد. به عبارت دیگر، تحقق مهدویت به عنوان سنتی الهی، همیشه مقید و مشروط به رفتار و عملکرد مردم است (صدر، ۱۳۸۱: ۷۶).

پس با این توجیه می‌توان گفت که سنت مهدویت یک سنت مقید و مشروط است و از آنجاکه ضرورت اندیشه مهدویت در پرتو ضرورت سنت «استخلاف» دست‌یافتنی است و سنت استخلاف به عنوان مبانی و پایه‌گذار اندیشه مهدویت تلقی شده و مهدویت به تبع آن‌ها به منصف ظهور می‌رسد، اندیشه مهدویت تابع و فرع آن است؛ از این رو می‌توان سنت مهدویت را سنت تبعی خطاب کرد و چون نقش و کارکرد اندیشه مهدویت و آموزه‌های آن مانند غیبت، ظهور، حکومت جهانی و غیره بیشتر به اجتماع بشری مربوط است و غالباً با نگرش اجتماعی توجیه و تفسیر می‌شود، پس اندیشه مهدویت با این نگاه یک سنت اجتماعی است.

عوامل ایجابی و زمینه‌ساز ظهور

آنچه در اینجا مورد بررسی قرار گرفته عواملی سه‌گانه‌ای است که جنبه ایجابی دارد و نقش ثانوی در زمینه‌سازی ظهور پیدا می‌کند. و از حیث رتبی مؤخر از عوامل سلبی است. بدیهی است که اعمال این عوامل، پس از تزکیه نفس و پیراستن آن از عوامل سلبی امکان‌پذیر می‌گردد. این گونه از سلوک رتبی که تزکیه نفس بوسیله ترک گناهان، همواره تقدم بر اعمال نیک دارد؛ در نزد عرفای الهی در باب عرفان نظری به اثبات رسیده است.

عوامل ایجابی فردی

اخلاق حسنه

از آنجاکه «اخلاق زمینه‌ساز» بخشی از اخلاق اسلامی است، مراد از اخلاق زمینه‌ساز، صفات و الزامات اخلاقی خاصی است که برگرفته از آموزه انتظار و زمینه‌ساز ظهور ولی عصر (عج) است. به دیگر سخن، اوصاف و افعال اخلاقی است که مقدماتی ایجاد می‌کند تا شرایط فردی و اجتماعی برای تحمل ولایت معصوم و ظهور امام (عج) فراهم آید. (مصباح یزدی، ۱۳۶۸: ۱۱۹۲) این زمینه‌سازی اهداف و انگیزه‌های یک فرد و در نتیجه روابط او با دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (دورانت، ۱۳۵۶: ۳۵)

بنابراین مراد از اخلاق زمینه‌ساز، بررسی تأثیر زمینه‌سازی (انتظار) بر اخلاق است؛ به گونه‌ای که سطح نگاه افراد را به زندگی و نیز عشق و علاقه‌های او را آن‌قدر بالا می‌برد که جز امر امام که مظهر تام مرتبه مربوبیت است را نمی‌خواهند و آنان را به تلاش و امی دارد تا این رفعت و بی‌قراری را به دیگران نیز منتقل نمایند و برای اهداف بلندشان نیروی انسانی تربیت کنند. چنین افرادی جز به ولایت خاتم اولیاء امام مهدی (عج) رضایت نمی‌دهند و اهدافشان را اهداف او قرار داده و خود را در طرح امام قرار می‌دهند و به چیزی کمتر از حاکمیت ایشان و رضا و سخط او قانع نمی‌شوند. (فقیهی، ۱۳۹۳: ج ۱، ۱۰۸)

خودشناسی

انسان برای رسیدن به بالاترین درجه انتظار، باید به بررسی لایه‌های درونی خود پردازد و آلودگی‌ها و تعلقات روحی و درونی خود را بازشناسی و پالایش کند و نیز همواره ضمن امیدواری به اتصال و یگانگی با امام عصر (عج)، خوف جدایی از ولایت حق را داشته باشد. همچنین باید در بررسی لایه‌های زیرین اعتقاد درونی خود از هرگونه مسامحت و سهل‌انگاری بپرهیزد تا بتواند از راه شهود، بصیرت و درون‌نگری، امام را درون خود بیابد. اندیشه و تمایل انسان، آنگاه به روشنایی معرفت و محبت امام رو می‌کند که او از آرزوهای محقر و دانی و گناه‌آلود روی برتابد. (نجفی، ۱۳۹۰: ش ۶، ۲۱)

اهتمام به رسالت نجات و سعادت آخرالزمانی ایجاب می‌کند هر کسی مسئولیت تربیت و سازندگی خود را بر عهده گیرد و به سختی تمام بکوشد لحظه‌ای از امر خطیر تربیت خویش غافل نماند و در این راستا هرگز قصور نرزد. این رسالت به قدری مهم و معتبر است که تقریباً همه مکاتب و مذاهبی که در طول تاریخ تا این زمان به ظهور رسیده‌اند ادعا می‌کنند رسالتشان نجات انسان‌هاست.

خداشناسی

از دیدگاه قرآن، انسان خداشناس بدترین جنبه عالم است: (إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ) (انفال: ۵۵) همه پیامبران در نخستین گام از دعوت خویش، مردم را به پرستش خدای یگانه می‌خواندند: (وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ). (نحل: ۳۶) خداشناسی به این معناست که انسان به حقیقتی برسد که درک کند خداوند علت و خالق اوست و او عین نیاز و متعلق به خداوند است. چنانکه در قرآن می‌فرماید: «ای مردم شما همه نیازمند به خداید، تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است.» (فاطر: ۱۵)

رضایت و تسلیم

انسان، غایت برترین آفرینش دیگر مخلوقات و ذات اقدس حق متعال، غایت برترین آفرینش انسان است. از همین روی، انسان مخدوم دیگر مخلوقات قرار گرفته و دیگر اشیا در خدمت و تسخیر انسان اند. راه تکامل دیگر موجودات نیز قرار گرفتن در مسیر خدمت انسان و راه تکامل انسان قدم برداشتن در مسیر طاعت خدا و سراسر تسلیم خدا بودن و برای او سر سپردن است.

جامعه‌ای که با تسلیم و انقیاد به امام و خلیفه خدا بر زمین به مقام خلافت اجتماعی خداوند بر زمین می‌رسد، با خواست، اراده، گزینش و انتخاب خود که از عشق به محمد و آل محمد(ص)، سرچشمه می‌گیرد، مطیع خداوند و تسلیم اراده او خواهد بود.

منتظر هیچ‌گاه نباید احساس ضعف کند، بلکه باید با قدرت و تحمل سختی‌ها و فشارها به مسیر پیشرفت و عزت خود ادامه دهد و در مقابل زورگویان سر تسلیم فرود نیاورد. بلکه باید به درجه‌ای از بلوغ دینی و بصیرت اسلامی برسد که در برابر ولی خدا، تسلیم کامل باشد و اراده او را بر خواست خود مقدم داشته و فرمان او را عین فرمان حق بداند، مَن أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَن عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ. (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۷۷) بنابراین منتظر واقعی در راستای زمینه‌سازی ظهور باید تمرین سلم و تسلیم کند و در برابر آنچه به عنوان حکم خدا به او می‌رسد، دلی پذیرا داشته باشد. این رویکرد می‌تواند زمینه‌سازی ظهور را برای پذیرایی از حجت الهی و سر سپردن به اوامر او و همراهی کامل در برپایی انقلاب و نظام الهی در همه جهان آماده‌تر کند. (حائری‌پور، ۱۳۹۰: ج ۲، ۱۹۷)

ولایت‌پذیری

ولایت معیار و مکیال انسان سنج است، و میزان تقویم و تقدیر ارزشهای انسانهاست. (حسن زاده آملی: ۱۳۸۳، ۹۵) حضرت مهدی علیه السلام را علو مکان و مرتبت در اتصاف به تحقق اسمای الهیه به حدی باشد که به حسب ولایت تکوینی افضل باشد و از این جهت قدوه و متبوع پیغمبری حتی از اولوالعزم و صاحب شریعت، قرار گیرد. (همو: ۱۳۹۰، ۱۱۵)

مسئله ولایت‌مداری در دوران غیبت همانند دوران حضور، آثار و برکاتی دارد، با این تفاوت که در عصر غیبت، انسان به واسطه مقوله انتظار، ثمرات دیگری همچون ضرورت وجود امام و نیاز به امام معصوم را بیشتر احساس می‌کند. همین امر سبب شده است که محبت و دوستی و انس با حضرت مهدی(عج) و امید به حکومت او در جان آدمی شدت بیابد و به عطش و شیفتگی مبدل گردد. (کیبیری استانجین، ۱۳۸۸: ج ۱، ۲۳۵)

هم‌چنین امام عصر(عج) در توقیعی که به شیخ مفید فرستاده، پیروان و منتظران ظهورش را، به ولایت‌پذیری و عمل به احکام و دستورهای الهی، سفارش کرده است: «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا

يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا، وَيَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهَتِنَا وَسَخَطِنَا»؛ (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۳۲۳) «پس عمل کنید هرکدام از شما به آنچه موجب نزدیکی و جلب محبت ما اهل بیت می‌گردد؛ و دوری گزینید از کارهایی که ناراحتی و خشم و موجبات رنجش ما می‌گردد».

بنابراین، راه و رسم مهدی زیستی، در ولایت‌پذیری و دین‌مداری و تلاش برای نهادینه‌سازی فرهنگ دینی در جامعه است. هدف دین اسلام و فلسفه ظهور حضرت نیز احیای ارزش‌های الهی در جامعه و رشد و تعالی انسان در پرتو تعالیم دینی است. جامعه منتظر و دولت زمینه‌ساز نمی‌تواند نسبت به هدف ظهور یعنی احیای ارزش‌های دینی و دین‌داری جامعه، دغدغه نداشته باشد.

عوامل ایجابی خانواده

از جمله عوامل تأثیرگذار بر زمینه‌سازی ظهور ولی عصر (عج) نقش والدین در خانواده است. کودک، نخستین الگوهای زندگی خویش را از والدین می‌گیرد. خانواده نهادی بسیار ارزش‌گذار و انتقال‌دهنده ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر است و تنها سازمان اجتماعی است که با اعضای خود با عشق، عقل و مراقبت بسیار برخورد می‌کند و همین نیروی همبستگی باعث تعالی افراد می‌شود. خانواده یک ارگانیسم با روح جمعی است که باورها و اصول اخلاقی متعالی در آن نقشی محوری ایفا می‌کند. از میان باورهای تأثیرگذار در خانواده که سبب همبستگی و رفتار اخلاقی می‌شود، باور به ظهور یک منجی و تحقق مدینه فاضله اوست. در اوصاف و صفات یاران امام مهدی (عج) آمده است که آنان چنان رفتار برادرانه‌ای دارند که گویا از یک پدر و مادر زاده شده‌اند: *إن اصحاب المهدي (عج) يلقى بعضهم بعضاً كأنهم بنو أب و أم*. (بحرانی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۲۴)

در میان توانمندی‌های خانواده، نقش شکل‌گیری و معنا دهی نظام‌های باور در بین اعضای خانواده در حل معضلات پیش روی خانواده و جامعه بسیار پراهمیت است. در قلمرو دین اسلام، باور به ظهور منجی موعود، می‌تواند چشم‌اندازی امیدوارکننده و مثبت را در خانواده ایجاد کند، ارزش‌های معنوی و متعالی را پرورش دهد و خانواده را از آفت‌ها و بحران‌های عصر غیبت حفظ نماید. از جمله کارکردهای آموزه انتظار، تقویت هنجارهای اخلاقی و آراستگی افراد خانواده به خوبی‌ها و پیراستن از ناهنجاری‌ها و بدی‌هاست که هدف رسالت نبوی به شمار می‌آید. (نوری، ۱۴۰۸: ج ۲، ۲۸۲) اعضای خانواده منتظر با آراسته شدن به فضایی چون عدالت، صبر، امید و غیره در تحقق ظهور نقشی عمده ایفا می‌کنند و از آنجاکه شهرها از خانواده‌ها پدید می‌آیند، با راسخ شدن این صفات نفسانی در بین افراد خانواده، جوامع نیز به اخلاق زمینه‌ساز مزین می‌شوند. (عنایت، ۱۳۵۸: ۷)

خودآگاهی

یکی از بسترهای مناسب برای تقویت اخلاق خانواده «خودآگاهی» است. برخی روان‌شناسان احساس حقارت یا کهنتری را تقریباً منشأ تمام رفتارهای غیرعادی انسان می‌دانند. (آدلر، ۱۳۷۰: ۵۹) توجه دادن انسان به شرافت و کرامت ذاتی خویش و این‌که او گوهری ارزشمند و بی‌مانند است، وی را به سوی ارزش‌های متعالی اخلاقی سوق می‌دهد. یکی از بهترین روش‌های تربیت اخلاقی، انجام دادن اموری است که به باور ارزشمند بودن فرزند بینجامد؛ چراکه: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ، فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷: ۳۶۵)

عدالت

عدالت یکی از مفاهیم مهم و عام اخلاقی است که در خانواده به آن تأکید شده است. در حوزه مدیریت خانواده مراد از عدالت هم می‌تواند عدالت فردی باشد که در این صورت مدیر خانواده باید جامع بسیاری از فضایل اخلاقی باشد و هم می‌تواند مراد عدالت اجتماعی باشد که در حوزه روابط مدیر با اعضای خانواده است. در لسان روایات مهدوی به نظر می‌رسد می‌توان واژه عدالت را بیشتر ناظر به عدالت اجتماعی بدانیم؛ گرچه قابل اطلاق به عدالت فردی نیز هست. سیره امام مهدی (عج) سلوک بر مبنای عدالت اجتماعی است: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا». (طوسی، ۱۳۸۷: ۵۲) سیره یاران او نیز این چنین است: «اللَّهُمَّ وَاْمَلْنَا بِهِمْ كُلَّ أَفْقٍ مِنَ الْأَفَاقِ وَقَطْرٍ مِنَ الْأَنْطَارِ قِسْطًا وَعَدْلًا وَمَرَحَمَةً وَفَضْلًا». (مجتهدی سیستانی، ۱۳۸۸: ۱۶۸)

همچنین در فضایل اخلاقی امام (عج) و یارانش صفاتی ذکر می‌شود که ناظر به عدالت فردی است. بنابراین نه تنها عدالت اجتماعی، بلکه عدالت فردی نیز شاخصه فرد منتظر به شمار می‌آید. مدیر در خانواده با داشتن فضیلت عدالت باید بتواند در هر موقعیتی با توجه به مقتضیات زمان، نقش خود را ایفا کند و از هر کسی به اندازه استعداد و ظرفیت‌هایش توقع داشته باشد.

صبر

مقاومت و پایداری در مسیر انتظار موعود جهانی، از مهم‌ترین شاخصه‌های خانواده منتظر به شمار می‌آید. شرط مهم انتظار، استقامت در برابر نقصان‌ها و کمبودهاست: طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ. (قندوزی، ۱۳۴۴: ج ۳، ۱۰۱) در فرهنگ اخلاقی صبر به معنای وادار نمودن و حبس کردن نفس به آنچه عقل و شرع اقتضا می‌کنند و بازداشتن از آنچه عقل و شرع نهی می‌کنند، اطلاق می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲۷۴) صبر بر سختی‌ها و مصیبت‌ها و عدم اضطراب و پریشانی، سعه صدر است و از ابزارهای مهم و مؤثر در مدیریت به شمار می‌رود. اگر مدیر خانواده صبور نباشد، نظام

خانواده تباه می‌شود. از آثار سعه صدر در خانواده، رفق و مدارا، تغافل، انتقادپذیری، وقار و متانت است که لازمه ضروری هر مدیریتی است.

امید

امید به معنای احساس راحتی قلب در نتیجه انتظار تحقق امری که محبوب و خوشایند است (نراقی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۴۴) با مقوله انتظار ارتباطی تنگاتنگ دارد. اگر انتظار نه یک حالت، بلکه یک عمل است: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج»، (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۱۲۸) انسان منتظر همواره امیدوارانه اقدام می‌کند. بنابراین امید با «کوشایی» و اجتهاد نیز ارتباط می‌یابد. یکی از ویژگی‌های مدیر خانواده، امیدوار بودن به تحقق اهداف خانواده و از جمله تحقق ظهور است که از آثار انتظار به شمار می‌آید. این شور و اشتیاق و امید از مدیر به افراد خانواده نیز سرایت می‌کند و سبب پویایی، دوری از افسردگی و خمودی و انزوای در جامعه می‌شود و خانواده منفعل را به خانواده‌ای فعال تبدیل می‌گرداند.

عوامل ایجابی اجتماعی

در عصر زمینه‌سازی، مردم در تکاپوی رسیدن به معشوق خود، عدالت حقیقی و زندگی سراسر معنوی هستند. از این رو در این مسیر می‌کوشند با استفاده از دین و عناصر آن سبک زندگی داشته باشند که در آن تأکید بیشتری بر مسائلی مانند اعتقاد و ایمان راسخ به اصول دین و برپایی فروع دین است. در نتیجه سبک زندگی در جامعه زمینه‌ساز مبتنی بر اقامه نماز، برپایی عدالت اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر، پیروی از قوانین اسلامی و مدنی، احترام به حقوق انسان و ارزش‌های او، کسب روزی حلال، دوری از دنیا و پست و مقام و غیره است. بنابراین پیروی از سبک زندگی زمینه‌ساز بهترین راه برای معنویت‌بخشی به زندگی و پرهیز از زندگی قهقراگونه مادی است.

سبک زندگی

زندگی و چگونگی آن همواره دغدغه بشر بوده است. بدون تردید انسان برای گریز از توحش و راهیابی به زندگی انسانی و سبک صحیح آن و همچنین حیات طیبه و تخلق به اخلاق کریمه و رهایی از افسردگی، به یک عامل مهار کننده نیازمند است که روح او را در کنترل خود قرار دهد تا بتواند به فطرت بشری برای زندگی اجتماعی رنگ و لعاب انسانی و الهی دهد. از این رو می‌توان گفت سبک زندگی، جایگاه مهمی در فرایند زمینه‌سازی ظهور ولی عصر (عج) دارد که شامل وارد زیر می‌شود.

ساده زیستی

زهد و ساده زیستی، زینت منتظران مهدی (عج) است. آنان خوشکامی و نیک‌بختی را در آرامش دیگران می‌جویند و بستر بهره‌گیری از مواهب الهی را برای دیگران فراهم کرده و خود با دنیاگرایی در ستیزند. روند زندگی آن‌ها به سمت تنعم و تجمل‌پرستی نیست. آن‌ها با امامشان پیمان بسته‌اند که همانند او ساده زندگی کنند؛ غذایی ساده بخورند؛ لباس ساده بپوشند و به مقدار کم قانع باشند (یاوری، ۱۳۸۵: ۹۷).

انسجام شخصیت

وجود هر انسانی آکنده از غرایز و تمایلات گوناگون است که گاه در تضاد و تعارض اند و اگر در ایجاد توازن بین آن‌ها کوتاهی شود، به اختلال شخصیت می‌انجامد. دین نقش مهمی را در متعادل کردن غرایز بشر ایفا می‌کند. هرچه انسجام شخصیت و یکپارچگی هویت منتظران و یاوران حضرت مهدی (عج) بیشتر باشد، سلامت روانی آنان بالاتر خواهد بود. (آذربایجانی، ۱۳۸۷: ۲۷۱)

حجاب و عفاف

لزوم پوشش زیبایی‌های ظاهر زنان بر اساس محدوده تعیین شده در قوانین اسلام، هم کارکردهای فردی و اجتماعی دارد و هم به حفظ خانواده و استحکام بنیان آن کمک می‌کند. طبیعت بدن زن به گونه‌ای است که زیبایی و جذابیت خاصی دارد و اگر زنان این زیبایی‌ها را نپوشانند، در محیط جامعه مورد آزار و تعدی دیگران قرار می‌گیرند. همچنین وجود این آزارها در محیط شغلی، نه تنها کارایی‌شان را مختل می‌کند، بلکه تأثیر روانی ناخوشایندی نیز بر آنان بر جای می‌گذارد. (خراسانی، ۱۳۸۶: ۱۴۲)

در شرایط زمینه‌سازی و به منظور قرار گرفتن در ردیف منتظران و یاوران حضرت مهدی (عج) مردان و زنان از چنان شرم و حیایی برخوردارند که نه تنها در جامعه و محل کار در حفظ حجاب و عفاف می‌کوشند، بلکه در منزل و در برابر دیدگان فرزندان نیز با رعایت آن راه را بر شهوات و انحراف آنان می‌بندند و زیبایی بدن و ظاهر را با پوشش مناسب به زیبایی معنوی تبدیل می‌کنند.

جمع‌گرایی

در دوران انتظار، مردم جمع‌گرایی؛ زیرا بنا به دستورات امامان خود، در مناسبت‌های مختلف، اعیاد، زیارت‌ها، جشن‌های مذهبی، مراسم دعا، مراسم سوگواری، نمازهای جمعه و جماعت و غیره شرکت می‌کنند، در کمک به هم‌نوعان به اشکال گوناگون آن حاضرند و صله رحم را به عنوان یک

وظیفه انجام می‌دهند. باور و ایمان به این جمع و اکثریت‌گرایی از آنجاکه اهدافی انسانی و معنوی نیز با خود دارد بر اطرافیان نیز تأثیر گذار بوده، آنان را به سمت سبک زندگی و جمع‌گرایی می‌کشاند. کمترین محصول چنین سبک زندگی جمع‌گرایی، ارضای نیازهای عاطفی و اجتماعی افراد و نهایتاً سلامت روحی و روانی جامعه خواهد شد.

ایثار و تعاون

از جمله ویژگی‌های اساسی جامعه مطلوب اخلاقی - که باید زمینه‌ساز ظهور باشد - نهادینه شدن ایثار و تعاون در این جامعه است. ایثار یعنی از خودگذشتگی و دیگری را بر خود ترجیح دادن و این از بالاترین مراتب برادری است که برادر مسلمان خود را بر خویشتن مقدم داریم و حتی مصالح خود را برای او نادیده گیریم. (حشر: ۹)

خداوند به سبب صدق و وفای مؤمنان به رعایت ایثار و از خودگذشتگی در راه جهاد با کفار، ایشان را اجری پایدار و پاداشی ماندگار عطا می‌دهد؛ زیرا ایثار ایشان باعث غلبه بر هوای نفس می‌گردد. در نتیجه به آموزش حقیقی الهی دست می‌یابند و به سوی پروردگار خود، با پاکی و تنبّه درونی باز می‌گردند؛ (مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا)؛ (احزاب: ۲۳) ایثار، سبب رستگاری آدمی در دنیا و عقبی می‌گردد و نفس او را از آنچه در اخلاق، سوء و شرّ نامیده می‌شود، دور می‌کند. از جنبه‌های مهم ایثار، ترخّم نمودن به ضعیفان و تنگدستان، جهاد در راه خداوند با دشمنان دین و میهن و پیشی گرفتن از دیگران برای شرکت در این مسیر است. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۱۶: ۴۳۳)

تعاون نیز بدین مفهوم است که مؤمنان دست به دست هم داده، هماهنگ و همدل کارها را انجام دهند و مشکلات یکدیگر را حل کنند. برنامه‌ریزی‌های افراد باید مدبرانه و برای رسیدن به هدف واحدی که خیر است باشد. تعاون، یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی، حقوقی، اخلاقی و سیاسی را دربر می‌گیرد و طبق این اصل همه مؤمنان و مسلمانان موظفاند در کارهای نیک با هم همکاری داشته باشند و از همیاری در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم بپرهیزند. همانگونه که در قرآن کریم آمده است: (وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ)؛ (مائده: ۲) و همواره در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید و هرگز در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید.

بنابراین مؤمنان منتظر موعود باید مردمی ایثارگر و اهل تعاون و همکاری با یکدیگر باشند و اگر همدلی و تعاون و ایثار در میان آنان نهادینه نشود و هر کدام تنها به دنبال مصالح و منافع شخصی خویش باشند، قطعاً شایستگی زمینه‌سازی برای ظهور را نیز نخواهند داشت.

اخلاق اجتماعی

خداباوری

اولین و مهم‌ترین ویژگی اخلاقی جامعه زمینه‌ساز، خدایباوری و وحدت عقیدتی است؛ زیرا می‌دانیم جهان‌بینی‌های گوناگون به طور قطع تفرقه و ناسازگاری اجتماعی پدید می‌آورد، از وحدت و یگانگی مردم می‌کاهد و موجب ناهمگونی و تضاد در فعالیت‌های انسانی در همه ابعاد و زمینه‌ها می‌گردد.

بر این اساس در جامعه زمینه‌ساز ظهور باید یک رفتار اخلاقی برخاسته از جهان‌بینی واحد بر اساس توحید شکل گیرد تا انسجامی پولادین و وحدتی خلل‌ناپذیر و ماندگار در جامعه مؤمنان پدید آید؛ وحدتی واقعی بر اساس اصل توحید و خدایباوری که همه انسان‌ها را در این جامعه پوشش داده و همسو و هم‌جهت می‌سازد. به سبب اهمیت، اعتقاد به توحید و خدایباوری نخستین گام و مهم‌ترین و اساسی‌ترین کار در تربیت اسلامی شمرده شده و اساس آموزه‌های همه پیامبران است. در تربیت اسلامی، پیش از هر چیز ایمان به خدا مطرح است و بعد از خدایباوری، دستورات الهی تعلیم داده می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ»؛ (شریف رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱) اولین گام در دین‌داری، خداشناسی است و تمام شرافت‌ها و درستی‌ها و کرامت‌های بشری بر اساس خداشناسی است و همه رذالت‌ها و ناپاکی‌ها و درندگی‌ها، از بی‌دینی و خداشناسی سرچشمه می‌گیرد.

کسانی که می‌خواهند برای ظهور، زمینه‌سازی کنند و بستری مناسب برای حرکت امام (عج) فراهم نمایند، حتماً باید از حیث ایمان و دین‌داری از سرآمدان جامعه باشند، در محیط اجتماعی‌شان خدایباوری ظهور و بروزی ویژه داشته باشد و همه چیز در آن جامعه رنگ خدایی به خود گیرد تا زمینه‌سازی مناسبی در آن جامعه صورت گیرد و مقدمات لازم برای پذیرش امام و لبیک به دعوت او فراهم گردد. (صالحی، ۱۳۸۶: ش ۳، ۱۴۹)

استکبارستیزی

از دیگر ویژگی‌های مؤمنان راستین در آستانه ظهور - که از ویژگی‌های یک مسلمان واقعی طبق آموزه‌های قرآنی به شمار می‌رود - کفرورزی به طاغوت‌ها و استکبارستیزی است. اسلام در نظام تربیتی خویش به دنبال پرورش انسان‌هایی است که به هر قدرت طغیان‌گر و ضد خدا کافر باشد و در واقع توحید در عبادت و یکتاگرایی بدون نفی غیرخدا عملی نمی‌گردد. (نحل: ۳۶)

ستیز با قدرت‌های استکباری و نبرد با بیدادگران و طاغوت‌هایی که خوی و خصلتشان تجاوز، زیاده‌روی، افزون‌خواهی و بهره‌کشی از دیگر انسان‌هاست، ضرورتی عقلی و قرآنی به شمار می‌رود؛ زیرا مطالعه تاریخ بشر و رودررویی پیامبران و مصلحان با این‌گونه افراد به خوبی این واقعیت را آشکار

می‌سازد که موانع رشد و تکامل انسان در برخی موارد جز با قدرت و خون‌ریزی از سر راه برداشته نمی‌شود. بنابراین گاهی جنگ، خون‌ریزی و قصاص و قتل تنها راهی است که به صلح و آسایش و امنیت و حفظ جان‌ها و تربیت نفوس رهنمون می‌گردد و راه تربیت درست و زمینه اصلاح اخلاقی را باز می‌کند. (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ۵۱۷) اسلام با توجه به همین واقعیت جنگ و ستیز با ناهالان را نه به عنوان هدف و آرمان، بلکه به عنوان راه و وسیله برای تحقق اهداف مقدس خویش پذیرفته است. (بقره: ۱۹۳)

از این‌روست که باید مؤمنان و منتظران در آستانه ظهور از آمادگی کافی برای ستیز با مستکبران برخوردار باشند. در دوران طولانی پیشاظهار، به همه منتظران به‌ویژه هسته‌های اصلی انقلاب مهدی (عج) آموزش‌هایی داده شده است تا برای تحمل دشواری‌های بسیار سنگین، در خود آمادگی به وجود آورند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲، ۳۵۸)

صبر و پایداری

از جمله ویژگی‌های اساسی و لازم برای جامعه مطلوب زمینه‌ساز ظهور، صبر و پایداری در برخورد با مشکلات و سختی‌هاست؛ جامعه‌ای که افراد آن در برابر ناملایمات صبور نباشند، دچار ناامیدی گشته و سستی و رخوت دامن‌گیر آنان می‌شود و در نتیجه در اجرای برنامه‌ها برای رسیدن به اهداف خویش با شکست مواجه می‌گردند. (طباطبایی، ۱۳۷۷: ج ۷، ۱۵۴) منتظر موعود و کسی که انتظار تحقق آرمان‌های والای الهی را می‌کشد باید تا زمان فرا رسیدن لحظه قیام و شکوفا شدن آرزوها و شکل گرفتن آرمانش صبر و شکیبایی پیشه کند و تاب و توان از دست ندهد و هر ناملایم و سختی را در این راه با بردباری بپذیرد و هیچ‌گونه تزلزل و ناامیدی به خویش راه ندهند، شکیبا باشند و بدانند که هر گونه یأس در هر شرایطی پدیده‌ای شیطانی است. (کلینی، ۱۳۸۲: ج ۸، ۳۷) باید از نفوذ چنین اندیشه‌هایی در ذهن افراد و جامعه پیش‌گیری کرد و با تکیه به خدا و ایمان به حتمیت وعده‌های الهی و اعتقاد به اصالت راه پیامبران و حقانیت تعالیم امامان معصوم (ع) پایداری را زنده نگاه داشت، صبر پیشه کرد و پیروزی دین خدا و عزت حتمی مؤمنان و تحقق جامعه عدالت بنیاد مهدوی را وعده‌ای تخلف‌ناپذیر دانست. (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۲۹)

گذشت روزگار و دیرپایی نظام‌های ستم‌بنیاد و انبوهی حوادث و ویرانی‌ها و سیطره ناکامی و سلطه شکست‌های پیاپی و انقلاب‌های نافرجام، منتظر راستین را از آینده مأیوس نخواهد ساخت و در اصالت راه و کار خود تردید نخواهد کرد. او در نیمه شب سرد و تاریک یلدای زندگی، ایمان به نیم‌روز گرم و روشن تابستان را در دل زنده و پویا نگاه خواهد داشت. (قمی، ۱۳۷۶: ۵۲۷)

مهار غرایز

در زمان زمینه‌سازی، بشر باید تلاش کند به اوج بلوغ فکری و رشد اجتماعی و معنوی و تکامل روحی نایل شود تا بتواند در زمره سربازان و پیروان آن حضرت قرار گیرد. بنابراین غرایز جسمی و جنسی ضمن مهم شمرده شدن، باید در جهت تأمین نیازهای سطوح بالاتر روحی قرار گیرند، نه این که خود هدف زندگی باشند. به دیگر سخن، این غرایز در مرکز توجه قرار نمی‌گیرند و اجازه خودنمایی به آن‌ها داده نمی‌شود. این رویکرد، پیش‌زمینه‌های لازم برای تعریف نوعی سبک زندگی به نام زمینه‌ساز را فراهم می‌سازد که وفق آن، غرایز جسمی و جنسی در بند و اسیر روح، فرهنگ متمدنی انتظار و دینی شده و از سرکشی آن‌ها جلوگیری می‌کند. (محمدی، ۱۳۹۳: ج ۱، ۲۴۹)

روحیه و مدیریت جهادی

روحیه جهادی از آموزه‌های دینی اسلام به شمار می‌رود و مبتنی بر دفع خطر از مسلمانان و تقابل با تهاجم به فرهنگ و اصول اسلامی است. با وجود این که سال‌ها از حادثه عجیب و سرنوشت‌ساز کربلا می‌گذرد، هنوز جزئیات آن در ذهن همه عاشقان برجا مانده است. گویی آتش عشق به حسین و خاندان پاک و یاران شهیدش تا ظهور حضرت امام زمان (عج) آن‌چنان تازه خواهد ماند که ایشان در آغاز معرفی قیام جهانی خود، مسیرش را ادامه خون‌خواهی امام حسین (ع) می‌داند.

داشتن روحیه جهادی و تلاش برای ایجاد حکومت اسلامی است، برخلاف نگاه‌های فردگرا و جمع‌گرا، در این نظریه مسلح شدن فرد به روحیه جهادی و تلاش برای ایجاد حکومت اسلامی یک اصل است. انتظار فرج که خود، جهادی تمام‌عیار است، (حرانی، ۱۴۰۴: ج ۳۷) طالب مجموعه‌ای از صفات جهادی است و آرزوی شهادت روحیه جهادی را در دل منتظران نهادینه ساخته است. «يَتَمَنُّونَ أَنْ يُقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ». (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۰۸)

از این رو، منتظران جهادگرانی هستند، همچون کوه استوار که هیچ تندبادی عزم پولادی‌شان را به لرزه در نیاورد و از هیچ میدان مقاومتی شانه خالی نمی‌کنند و به دل ترسی راه نمی‌دهند. (همان: ج ۵۷، ۲۱۶) یاران مهدی در میدان نبرد و جهاد نیز چنان مجاهده می‌کنند تا توحید را در عالم گسترده سازند. «يَقَاتِلُونَ وَاللَّهُ حَتَّى يُوْحِدَ اللَّهُ». (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۶۱).

مدیریت جهادی، تلاشی خستگی‌ناپذیر برای انسجام و همراه کردن مؤمنان در غلبه بر دشمن و عبور از موانع تا رسیدن به آرمان‌های مادی و معنوی مقدس با بهره‌گیری از امکانات مادی و امدادهای الهی است.

مدیریت جهادی از دیدگاه ساختاری عبارت از فرآیندهای برنامه‌ریزی جهادی، سازمان‌دهی جهادی، جهت‌دهی و کنترل جهادی است که منابع (انسانی، مالی، مواد خام، تکنولوژیک و اطلاعات،

ارزش‌های دینی، شیعی و انقلابی) را به عنوان ورودی سیستم از محیط دریافت می‌کنند و عملکرد (تحقق اهداف، محصولات، خدمات، کارآیی و اثربخشی) را شکل می‌دهند. (قطبی، ۱۳۹۴: ج ۳، ۱۳۹)

وفای به عهد

از بدیهی‌ترین ارزش‌ها در حوزه اخلاق اجتماعی و ثبات جامعه مطلوب و آرمانی منتظران واقعی و شایسته زمینه‌سازی برای قیام موعود وفای به عهد و امانت‌داری است. اهمیت این امر تا بدان اندازه است که از بزرگ‌ترین واجبات و تکالیفی به شمار می‌آید که خداوند بر مکلفان مقرر فرموده و تخلف از آن را درباره هیچ‌کس - حتی کافر و منافق و مشرک - جایز ندانسته است. در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که فرمود: ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةً: أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْأَفْجَرِّ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْأَفْجَرِّ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرِينَ؛ (کلینی، ۱۳۸۲: ج ۲، ۱۶۲) سه چیز است که خداوند به هیچ‌کس اجازه مخالفت با آن را نداده است: ادای امانت درباره هر کس، خواه نیکوکار باشد یا بدکار؛ و وفای به عهد درباره هر کس، خواه نیکوکار باشد یا بدکار؛ و نیکی به پدر و مادر، خواه نیکوکار باشد یا بدکار.

وفای به عهد، ضامن نظم و ثبات و بقای حیات اجتماعی انسان‌ها تلقی می‌شود که اگر به آن عمل نشود، قطعاً زندگی اجتماعی از هم گسیخته و مختل خواهد شد. از این‌رو در منابع اسلامی اعم از قرآن و روایات، تأکید بسیاری بر مراعات وفای به عهد، به عنوان یک ارزش پایدار جامعه مطلوب اخلاقی شده است. برای مثال، خداوند در قرآن کریم، یکی از صفات برجسته حضرت اسماعیل (ع) را «صادق الوعد» بودن او دانسته و می‌فرماید: (إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا). (مریم: ۵۴) در روایتی نیز ذیل این آیه آمده است: این‌که خداوند اسماعیل را «صادق الوعد» شمرده، به این دلیل است که او به قدری در وفای به وعده‌اش اصرار داشت که وقتی با کسی در محلی وعده‌ای گذارده بود و او نیامد تا یک سال در انتظار او بود! هنگامی که پس از این مدت آمد، اسماعیل گفت: من همواره در انتظار تو بودم. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ج ۱۳، ۹۵)

امانت‌داری و ادای امانت

از جمله مصادیق روشن عهد- که مورد تأکید قرار گرفته و در برخی از آیات، در کنار عهد و وفای به عهد ذکر شده- امانت‌داری و ادای امانت است. توجه به این ویژگی و عمل به آن از نیازهای اجتماعی بشر به شمار می‌رود؛ زیرا در استوارسازی پیوندهای جامعه نقشی به سزا دارد و در حقیقت، استواری پیوندها در جوامع بشری و امدار امانت‌داری و ادای امانت است. اگر در جامعه امانت‌ها مراعات شوند، اعتماد دوسویه رو به فزونی می‌نهد و روابط انسان‌ها نیکو و مستحکم می‌گردد و اگر روحیه امانت‌داری تضعیف گردد و این خصلت پسندیده اخلاقی کم‌رنگ شود، اعتماد لازم از میان

می رود و حالت مرگبار تشویش و نگرانی بر فضای زندگی مردم سایه می افکند و سرانجام، شیرازه مطلوب جامعه اخلاقی و زندگی اجتماعی از هم می پاشد. در اشاره به اهمیت این خصلت بایسته اخلاقی و معنوی، امام علی (ع) آن را در مرتبه بالایی از مراتب ایمان می داند: *أَفْضَلُ الْإِيْمَانِ الْأَمَانَةُ*. (خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۴، ۵۳۴) در بزرگی آن نیز همین بس که در اسلام، میزان سنجش دین داری معرفی شده است. پیامبر (ص) می فرماید: *لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ ..؛ وَ لَكِنْ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ*؛ (صدوق، ۱۳۷۳: ج ۱، ۵۶ و ۱۹۷) به زیادی نماز و روزه آن ها ننگرید ... بلکه به راست گویی و امانت داری شان نگاه کنید.

امام صادق (ع) نیز امانت داری را بزرگ ترین هدف از بعثت انبیا (ع) دانسته و فرموده است: *إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ*؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۲، ۱۱۶) خدا هرگز پیامبری نفرستاد، جز برای تبلیغ راست گویی و ادای امانت.

بر همین اساس است که قرآن کریم از واگذاری مأموریت های ویژه به افراد امین خبر داده است؛ «اعطای رسالت به پیامبران» (شعراء: ۱۰۷، ۱۲۵، ۱۴۳، ۱۶۲، ۱۷۸)، «مأموریت ابلاغ وحی به فرشته امین» (شعراء: ۹۳-۹۴) و «واگذاری خزانه داری مصر بزرگ به یوسف» (یوسف: ۵۵).

به طور کلی باید گفت حفظ و ادای امانات، دارای آثار و فواید مطلوب فردی و اجتماعی برای گسترش اخلاق حسنه و بایسته در جامعه مطلوب پیشاظهار است؛ از جمله آن ها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. تقویت ایمان و گسترش دین باوری: امام علی (ع) در این باره فرمود: *مَنْ عَمِلَ بِالْأَمَانَةِ فَقَدْ أَكْمَلَ الدِّيَانَةَ*؛ (خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۵، ۴۴۸) کسی که امانت را پاس دارد، دین داری را کامل کرده است.
 ۲. عزت اجتماعی: همان گونه که ادب، علم، صداقت یا هر خصلت نیک دیگری زمینه ساز عزت اجتماعی انسان است، حفظ و ادای امانت نیز سبب عزت مندی انسان در اجتماع می شود (همو: ج ۲، ۱۳۰).

۳. تأمین امنیت: لقمان (ع) فرموده است: *يَا بُنَيَّ! إِذَا الْأَمَانَةُ تَسَلَّمَ لَكَ ذُنْيَاكَ*؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۴، ۱۷۶) پسرم، امانت را پاس دار تا دنیای تو سالم و امن بماند.

۴. شکوفایی اقتصادی: گسترش امانت داری در جامعه، افزون بر ابعاد معنوی، اخلاقی و اجتماعی آن، در شکوفایی اقتصادی نیز تأثیر فراوان دارد و این بدان سبب است که انسان های امین از اعتماد و اعتبار بالایی در میان مردم برخوردارند و هر کس چنین باشد از هیچ گونه داد و ستد و مشارکت های اقتصادی با وی دریغ نخواهد شد و در حقیقت او شریک مال مردم خواهد بود؛ زیرا امام صادق (ع) فرموده است: *عَلَيْكَ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ تَشْرِكُ النَّاسَ فِي أَمْوَالِهِمْ*؛ (شیخ حرعاملی، بی تا: ج ۱۳، ۲۱۹) بر شما باد صداقت در گفتار و پاس داشتن امانت که در این صورت، شریک مال مردم می شوید.

در مقابل، خیانت در امانت‌ها، پیامدهای نامطلوبی همچون سستی در دین، بی‌اعتمادی، خواری، تلخ‌کامی، تنگدستی و ... را بر اخلاق اجتماعی انسان‌ها و جامعه اخلاقی آنان خواهد داشت.

معرفی امام(عج) به مردم

از جمله اموری که در تحقق ظهور نقش بسزایی دارد، شناخت مقام امام و پی بردن به جایگاه و منزلت اوست. این شناخت از دو جهت باید صورت گیرد؛ اول این‌که انسان دریابد دارنده این مقام از چه جایگاه و منزلت رفیعی برخوردار است. دوم این‌که بداند در هر عصری، امامی هست و خدای متعال زمین را از امام خالی نخواهد گذاشت. اگر همگان این دو جهت را درک و فهم کنند، دیگر کسی به‌جز حضرت را مصلح نمی‌دانند و جز او را پناه کامل و منجی حقیقی نخواهند دانست. امام معصوم، واجد همه کمالات است و تنها اوست که لیاقت کامل و بی‌کم و کاست را برای اداره بشریت دارد. اهمیت و فایده شناخت امام از این جهت است که امام عصر(عج) زمانی با کمک مردم به اهداف بلند خود خواهد رسید که مردم از وی به طور کامل پیروی کنند. پیروی و اطاعت نیز زمانی برای انسان حاصل می‌شود که اول بداند خدای متعال برای او امام قرار داده است. دوم آن‌که امام مطاع از هر گناه و خطا، مصون و معصوم باشد تا به طور کامل مورد اطاعت قرار گیرد. با وجود انسان‌های گوش به فرمان و مطیع، امام توان خواهد یافت به هدف‌های عالی مورد نظر دست پیدا کند.

پس باید تمام تلاش را به کار برد تا حضرت قائم(عج) به درستی معرفی شود. معرفی ایشان هم باید چنان باشد که زمینه محبت و عشق مردم را به آن‌ها به وجود آورد. به همین دلیل، در روایات به شیعیان توصیه شده است که با دشمنان هم مهربان باشند و به عنوان پیرو ائمه(ع) رفتار زنده‌ای نداشته باشند و ائمه(ع) را چنان معرفی کنند که مردم نسبت به ایشان محبت پیدا کنند. برای نمونه، امام صادق(ع) در توصیه به عده‌ای از شیعیان می‌فرماید: بر شما باد به تقوای الهی و راست‌گویی در گفتار و ردّ امانت و حسن معاشرت و سلام کردن و اطعام دیگران. در مساجد آن‌ها نماز بخوانید و از مریض‌های آن‌ها عیادت کنید و به تشییع جنازه اموات آن‌ها بروید؛ چون پدرم فرمود: شیعیان ما اهل بیت جزو بهترین‌ها از هر دسته‌ای هستند. اگر فقیهی بود، از ایشان است. اگر مؤذنی بود، از ایشان است. اگر امام جماعتی بود، از ایشان است و اگر صاحب امانتی بود، از ایشان است و اگر صاحب ودیعه‌ای بود، از ایشان است. این‌گونه مردم را نسبت به ما علاقه‌مند سازید و بغض ما را در دل آن‌ها ایجاد نکنید. (صدوق: بی تا، ۷۰)

بنابراین، آنچه زمینه را برای ظهور فراهم می‌سازد، شناخت مردم از مقام امامت و وجود مبارک امام عصر(عج) است؛ چون شناخت موجب عشق و ارادت می‌شود و عشق و ارادت هم باعث اطاعت و تسلیم می‌شود. فقط در چنین شرایطی، حضور و ظهور امام(عج) سودمند و نتیجه‌بخش خواهد بود.

نتیجه گیری

انسان در گذار از مسیر نفس و طبیعت به فراسوی تغییر نفس و تجلی ساحت‌های فطرتش منازل و مراحل را سپری می‌کند. سیر آغازین مراحل رشد طبیعت انسان به کمالات تکوینی منتهی می‌گردد که این کمالات به نوبه خود با بهره‌گیری از اختیار و اراده در پرتو خرد و استمداد از وحی، نقطه آغازین سیر کمالات تشریحی می‌شود که از کمالات فردی آغاز و به کمالات جمعی و بلوغ اجتماعی ختم می‌گردد. همچنانکه بلوغ اجتماعی نیز مقدمه و نقطه آغازین تجلی اسماء و صفات الهی در پرتوی ظهور انسان کامل و خاتم اولیاء الهی است که به حیات طیبه ختم می‌گردد و حیات طیبه نیز به فنای فی الله منتهی می‌شود.

آنچه میزان و کم و کیف منازل و مراحل را تعیین می‌کند، آستانه بلوغ اجتماعی انسان‌هاست؛ یعنی هرچه سطح و آستانه بلوغ اجتماعی انسان فراتر باشد، سطح و آستانه منازل و مراحل حرکت تاریخی به سوی بارانداز و هدف تاریخ عالی‌تر می‌شود. بی‌تردید آرمان بلند ظهور مهدی موعود(عج) که تحقق آن براساس سنن الهی ربط مستقیم به بلوغ اجتماعی انسان دارد نیز از این امر استثنا نیست.

در عرصه مطالعات مهدوی از کوشش انسان‌ها در فراهم‌سازی مقدمات ظهور حضرت مهدی(عج) به «زمینه‌سازی ظهور» تعبیر می‌شود. کانونی‌ترین و پایه‌ای‌ترین مسئله در زمینه‌سازی ظهور، موضوع «بلوغ اجتماعی» و قابلیت یافتن بندگان خدا و عموم مردم است. بلوغ اجتماعی همچون اخلاق فردی دارای فضائل و رذائل است و همچنانکه عوامل ایجابی در کسب و تحصیل فضائل نقش اساسی دارد ترک و رهایی از عوامل سلبی نیز در زدودن رذائل تأثیرگذار خواهد بود.

عوامل ایجابی که نقش ثانوی در زمینه‌سازی ظهور پیدا می‌کند. و از حیث رتبی مؤخر از عوامل سلبی است عبارتند از: عوامل ایجابی فردی: اخلاق حسنه، خودشناسی، خداشناسی، رضایت و تسلیم، ولایت‌پذیری. عوامل ایجابی خانواده: خودآگاهی، عدالت، صبر و امید. عوامل اجتماعی: سبک زندگی که شامل ساده‌زیستی، انسجام شخصیت، جاب و عفاف، جمع‌گرایی، ایثار و تعاون می‌شود و اخلاق اجتماعی که شامل خداباوری، استکبارستیزی، صبر و پایداری، مهار غرایز، روحیه و مدیریت جهادی، وفای به عهد، امانت‌داری و ادای امانت و معرفی امام(عج) به مردم می‌شود. بدیهی است که اعمال این عوامل، پس از تزکیه نفس و پیراستن آن از عوامل سلبی امکان‌پذیر می‌گردد.

منابع و مأخذ

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیجا، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ق.
۲. آدلر، آلفرد، روانشناسی فردی، مترجم: زمانی شرفشاهی حسن، بیجا، نشر تصویر، ۱۳۷۰.
۳. آذربایجانی، مسعود، روان شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز، بیتا، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
۴. آیتی، نصرت الله، شرایط عصر غیبت و الزامات اخلاقی آن، مشرق موعود، چاپ اول، قم، نشر موسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ج ۱، ۱۳۸۶.
۵. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم، قسم الدراسات الاسلامیه، مؤسسه البعثه، ۱۳۷۴.
۶. پورسیدآقایی، سید مسعود، زمینه سازی ظهور، نشریه مشرق موعود، ش ۱۰، ص ۱۹ - ۳۲، ۱۳۸۸.
۷. تقی زاده داوری، محمود، تمثیل های جامعه شناسانه در متون اسلامی، نشریه مطالعات قرآن و حدیث، س ۷، ش ۲، ۱۳۹۳.
۸. توسلی، غلامعباس، نظریه های جامعه شناسی، بی جا، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۵.
۹. حائری پور، محمدمهدی، شاخص های فرهنگی جامعه زمینه ساز ظهور، چاپ اول، قم، مجموعه آثار ششمین همایش بین المللی دکتربین، نشر مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰.
۱۰. حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، چاپ دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۱۱. حسن زاده آملی، حسن، انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، بی جا، قم، نشر الف. لام. میم، ۱۳۸۳.
۱۲. -----، انسان و قرآن، بی جا، قم، نشر الف. لام. میم، ۱۳۸۳.
۱۳. -----، نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور، بی جا، قم، نشر الف. لام. میم، ۱۳۸۵.
۱۴. -----، نهج الولاية، بی جا، قم، نشر الف. لام. میم، ۱۳۹۰.
۱۵. حسینی، سیدابوالفضل و همکاران، تحلیل کیفی نظریه ها در فرایند تحقق بلوغ اجتماعی در عصر ظهور، نشریه اندیشه نوین دینی، ش ۵۰، ص ۲۱-۴۴، ۱۳۹۶.
۱۶. حسینی زبیدی، محمدمرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول، بیروت، نشر دار الفکر، ۱۴۱۴ق.

۱۷. خراسانی، زهرا، نقش دین در حفظ نظم و امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات نخستین همایش علمی کاربردی ارتقای امنیت اجتماعی، چاپ اول، گرگان، انتشارات پیک ریحان، ۱۳۸۶.
۱۸. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمی، چاپ اول، سازمان انتشارات آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۶۸.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، مترجم: خسروی حسینی، غلامرضا، چاپ دوم، تهران، نشر مرتضوی، ۱۳۷۴.
۲۰. راین، آلن، فلسفه علوم اجتماعی، مترجم عبدالکریم سروش، بی چا، تهران، نشر انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
۲۱. ساعی، احمد، توسعه در مکاتب متعارض، بی چا، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۶.
۲۲. سهرابی مشتقین، فرامرز، مهدویت و فلسفه تاریخ، چاپ اول، قم، نشر موسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۸۹.
۲۳. شرف الدین، سیدحسین، دین و نهادهای اجتماعی، نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، س ۲، ش ۱، ص ۲۳ - ۵۲، ۱۳۸۹.
۲۴. شریف الرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، مترجم: عطایی، محمدرضا، بی چا، مشهد، نشر آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۴۱۷ق.
۲۵. شیخ حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، چاپ اول، قم، نشر مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.
۲۶. شیخ صدوق، محمدبن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، چاپ دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵.
۲۷. شیخ صدوق، محمدبن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، چاپ دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵.
۲۸. شیرازی، صدر الدین محمد بن ابراهیم (ملاصدرا)، اسرار الآیات، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۶۰.
۲۹. -----، الشواهد الربوبیه، تصحیح السید جمال الدین الأشتیانی، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۳۰. صالح نیا، یحیی، تنها بر فراز، چاپ دوم، قم، نشر اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان، ۱۳۸۹.
۳۱. صالحی، غلامرضا، مهدویت و اهداف نظام تربیتی اسلام، نشریه مشرق موعود، ش ۳، ص ۱۴۹، ۱۳۸۶.

۳۲. صدر، سید محمد باقر، سنت های تاریخ در قرآن، مترجم: سید جمال موسوی اصفهانی، چاپ سوم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱.
۳۳. طباطبایی (علامه طباطبایی)، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، لبنان- بیروت، ناشر مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰.
۳۴. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مترجم: غفاری مازندرانی، احمد، چاپ اول، تهران، نشر مرتضوی، ۱۴۰۳ق.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه للطوسی، چاپ دوم، قم، نشر مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷.
۳۶. عنایت، حمید، ارسطو، سیاست، بیجا، تهران، انتشارات حبیبی، ۱۳۵۸.
۳۷. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، چاپ اول، تهران، نشر مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ق.
۳۸. فقیهی، علی نقی و دیگران، تحلیل جایگاه صفات و رفتارهای اخلاقی زمینه ساز ظهور در محتوای کتابهای درسی عمومی دانشگاهی ایران، چاپ اول، تهران، مجموعه مقالات دهمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، نشر مؤسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۹۳.
۳۹. قطبی، ثریا، نقش مدیریت جهادی در تحقق فرهنگ و تمدن اسلامی، مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، چاپ اول، قم، نشر موسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۹۴.
۴۰. قمی، حاج شیخ عباس، مفاتیح الجنان، بی جا، قم، نشر انتشارات أسوه، ۱۳۷۶.
۴۱. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع الموده، چاپ هشتم، قم، نشر مکتبه المحمدی، ۱۳۴۴.
۴۲. کبیری استانجین، محسن، جایگاه بیعت در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، قم، مجموعه آثار چهارمین همایش بین المللی دکترین مهدویت با رویکرد سیاسی و حقوقی، نشر مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۸۸.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (الكافی) الأصول و الروضه، شرح اصول کافی، مازندرانی، محمد صالح بن احمد، چاپ اول، تهران، نشر المکتبه الاسلامیه للنشر و التوزیع، ۱۳۸۲.
۴۴. مجتهدی سیستانی، سید مرتضی، صحیفه مهدویه، بیجا، قم، نشر الماس، ۱۳۸۸.
۴۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت، نشر دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۴۶. محمدی، سیدمحسن و دیگران، سبک زندگی زمینه ساز و زندگی غربی، مجموعه مقالات دهمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، چاپ اول، قم، نشر موسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۹۳.
۴۷. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، بیجا، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
۴۸. ملائی، حسن، رویکرد کلامی، فصلا لخطاب نزاعهای تئوریک در مسائل زمینه سازی ظهور، نشریه مشرق موعود، ش ۱۵، ص ۱۴۰ - ۱۵۰، ۱۳۸۹.
۴۹. میرباقری، سیدمحمد مهدی، جایگاه ظهور در سیر تکاملی تاریخ، نشریه مکاتبه و اندیشه، ش ۲۲، ص ۱۰۰ - ۷۳، ۱۳۸۴.
۵۰. نجفی، محمد و دیگران، مراتب انتظار و ارتباط آن با درجات حب ذات، چاپ اول، قم، نشر موسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۹۰.
۵۱. نظری، نصرالله، بررسی ارزش های فرهنگی جامعه زمینه ساز، مجموعه آثار ششمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، چاپ اول، قم، نشر موسسه آینده روشن پژوهشکده مهدویت، ۱۳۹۰.
۵۲. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، بیروت، نشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۸ق.
۵۳. واسعی، سیدعلیرضا و همکاران، باورداشت آموزه مهدویت و نقش آن در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی، نشریه مشرق موعود، سال هشتم، ش ۲، ۱۳۹۳.
۵۴. ورمزیار، مصطفی، مهدویت از نگاه مفسران اهل سنت، چاپ اول، قم، نشر موسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۹۴.
۵۵. یاوری، مهدی و دیگران، رهیافتی به مقام مهدیشناسی، چاپ اول، قم، سلوک جوان، ۱۳۸۵.

**Manifestation of end-of-the-world perfect man under socialmaturity from
the quran and Islamic mysticism standpoint focusing on emergence factors**

Mohsen karami

PhD Student, Quranic Science and Hadith, Islamic Azad University, hamedan Branch,
hamedan, Iran

Alihosein ehteshami

Assistant Professor, Quranic Science and Hadith, Islamic Azad University, toyisercan Branch,
, toyisercan, Iran

Seyed Hamid hoseini

Assistant Professor, Quranic Science and Hadith, Islamic Azad University, hamedan Branch,
hamedan, Iran

Abstract

Social maturity begins with the steps of an individual from a single origin. Social maturity leads to the growth of intellectual and moral responsibilities and empathy in fulfilling the covenant and unity of purpose and the resulting attributes and laws. Moreover, it can continue with the manifestation of divine names and the full-length mirror of the Almighty towards the good life. The manifestation of the perfect human being, with one of the most important components of pre-emergence namely social maturity, is significantly affected by the causal relationship. Therefore, it is necessary to study it in the context of the emergence of the perfect man of the apocalypse. Undoubtedly, the emergence of the perfect man as a total evolution and according to ordinary providence is the product of the divine law of destiny and the element of authority, as well as the reflection of the divine tradition of thanksgiving and disbelief of blessings. In this study, the evaluation of the positive components of pre-emergence social maturity from the perspective of the Holy Quran and Islamic mysticism with an epistemological perspective and descriptive-analytical method using library resources has been considered. The results indicate that there is a significant two-way correlation between the positive components of social maturity and the occurrence of the complete emergence of the apocalypse. Thus, the growth in adornment with the positive causes of social maturity will increasingly hasten the emergence.

Keywords:

The perfect man, the apocalypse, saviorism, background, causes of emergence, social maturity.

* Corresponding Author: a.h.ehteshami.47@gmail.com

